



An Investigating the Suspicions on the Golden Treatise (Risalah Zahabiyyah)*

Javad Fathi Akbarabadi^۱

Abstract

Research in the hadiths of the Infallibles (AS), especially medical hadiths, can decipher the precious words of these real physicians of body and soul, and by removing doubts concerning this issue, make people better acquainted with this great scientific and spiritual treasure. Our concern in this research is to decipher the Golden Treatise (Risalah Zahabiyyah) and its purpose is to answer some of the doubts raised about the document and the text of this treatise. The method of our study in this article is descriptive and library-based and based on logical arguments. This noble treatise, which was embellished by the Eighth Imam (A.S) and addressed to Ma'mun Abbasi, is facing doubts now in terms of documents and text. Some scholars have distorted the document and its text and have put forward doubts on its ascribing to Imam Reza (A.S), which will be answered in this article. We believe that the Golden Treatise (Risalah Zahabiyyah) is fully documented at least until the fifth century, and according to Sheikh Tusi, it is one of the correct and empty-transgression works that reached him from Muhammad bin Jumhur, and its cutting chain (irsal) of the document is related to the centuries after Sheikh Tusi. Its text can also be completely considered and acted upon by removing some distortions. The most important achievement of this article is to prove the document and text and show some of the scientific points of this noble treatise, which was issued from the eighth shining star of the guardianship and Imamate i.e. Imam Reza (A.S).

Keywords: Golden Treatise (Risalah Zahabiyyah), Documentary and Textual Validation, Imam Reza (A.S) Medical Narrations.

*. Date of receiving: ۲۲,۰۲,۲۰۲۱ -Date of approval: ۲۰,۱۲,۲۰۲۱.

۱. Faculty Member and Assistant Professor at Payame Noor University, Doctor of Quranic Sciences and Hadith; (j.fathi۱۳۵۵@gmail.com)



بررسی شبهات پیرامون رساله ذهبیه*

جواد فتحی اکبرآبادی^۱

چکیده

پژوهش در احادیث معصومان علیهم السلام به ویژه احادیث طبّی می‌تواند از سخنان گرانمایه این طیبیان واقعی جسم و روح رمزگشایی کرده و با رفع شبهات پیرامون آن، مردم را هرچه بهتر با این گنجینه عظیم علمی و معنوی آشنا سازد. مسئله ما نیز در این تحقیق رمزگشایی از رساله ذهبیه و هدف از آن پاسخ‌گویی به برخی از شبهاتی است که پیرامون سند و متن این رساله مطرح شده است. روش مطالعه ما در این مقاله به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای و مبتنی بر استدلال‌ها و براهین منطقی است. این رساله شریف که توسط امام هشتم علیه السلام و خطاب به مأمون عباسی به زیور طبع آراسته شده امروزه از لحاظ سندی و متنی با تردیدهایی مواجه است. برخی محققان در سند و متن آن خدشه وارد کرده و در نسبت آن به امام رضا علیه السلام تردیدهایی را وارد نموده‌اند که در این مقاله به این شبهات پاسخ داده می‌شود. ما معتقدیم که رساله ذهبیه حداقل تا قرن پنجم کاملاً مسند بوده و به اعتراف شیخ طوسی جزء منقولات صحیح و خالی از غلوی است که از محمدبن‌جمهور به آن جناب رسیده و ارسال سندی آن مربوط به قرون بعد از شیخ طوسی است. متن آن نیز با زدودن برخی تحریفات کاملاً می‌تواند مورد توجه و عمل واقع شود. مهم‌ترین دستاورد این مقاله اثبات سندی و متنی و نشان دادن برخی از نکات علمی این رساله شریف می‌باشد که از هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت صادر شده است.

واژگان کلیدی: رساله ذهبیه، اعتبارسنجی سندی و متنی، احادیث طبّی امام رضا علیه السلام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹.

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پیام نور، دکتری علوم قرآنی و حدیث؛ 1350@fathi.z.

مقدمه

رساله ذهبیه چنانکه مشهور است، منسوب به امام هشتم علیه السلام می باشد و یکی از مهمترین منابع روایی طبری در بین ما شیعیان به حساب می آید و شروح و ترجمه های فراوانی به عربی و فارسی پیرامون این رساله پزشکی به زیور طبع آراسته شده و ما نیز در این مقاله برآنیم تا از جهات مختلف آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. البته قبلاً نیز پژوهش هایی در سند و متن این رساله انجام گرفته که در خلال مطالب آینده به آنها اشاره خواهد شد. مسئله ما در این مقاله بررسی سندی و متنی رساله ذهبیه و عمدتاً پاسخگویی به برخی شبهاتی است که آقایان نصیری و طباطبایی در مقاله ای تحت عنوان «پژوهشی در رساله ذهبیه» مطرح کرده و معتقدند که رساله ذهبیه کنونی دارای سند صحیحی نیست و نمی توان به متن آن نیز به عنوان سنت قطعی عمل نمود.

هدف از نگارش این مقاله اثبات حقانیت رساله ذهبیه و صحت آن به عنوان یک منبع طبری اسلامی است. البته باید پذیرفت نقص هایی در این رساله وجود دارد که با گذشت قرون بر آن حادث شده، ما وظیفه داریم این نقص ها را با دیدی نقادانه از بین برده و این منبع شریف را با پالایش کامل متنی به علاقمندان تقدیم نماییم.

پیشینه تحقیق:

چنانکه در بالا گفتیم شروح و ترجمه های زیادی از این رساله توسط علمای فارسی زبان و عرب زبان انجام گرفته و ما نیز تا حد زیادی در رساله دکتری خود به آنها اشاره کردیم؛ البته سابقه نقد این رساله به چندین قرن پیش باز می گردد که در آراء دانشمندانی مانند علامه مجلسی، علامه عسکری، آیت الله خوئی و برخی دیگر از شارحان این رساله دیده می شود؛ اما هیچ یک به نقد علمی آن به جز آقایان نصیری و طباطبایی نپرداخته اند. (فتحی اکبرآبادی، رساله دکتری بررسی و تحلیل احادیث طبری با تأکید بر رساله ذهبیه، ۱۳۹۳، ۲۱۶-۲۳۲) هر چند ما خود نیز قبل از این مقاله به نقد این رساله در رساله دکتری خود با عنوان (بررسی روایات طبری همراه با نقد رساله ذهبیه) پرداخته ایم؛ اما در این مقاله با مقداری تغییرات و نکات جدید به شبهاتی که پیرامون این رساله وجود دارد اشاره کرده ایم.

الف. معرفی اجمالی رساله ذهبیه

رساله مذهبه یا ذهبیه، نامه مختصری در علم پزشکی است که بنابر نقل های موجود توسط امام



رضاء علیه السلام در جواب مأمون عباسی که از وی درخواست نموده، نوشته شده (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۵۹) و مطالب آن پیرامون دستورات طبی در سلامت بدن انسان، تغذیه، فصول مختلف سال و چگونگی حفظ بدن در اوقات مختلف، اطعمه و اشربه مورد نیاز بدن به ویژه شراب مخصوص، انجام حجامت و کیفیت آن و مسائل دیگر است.

نقل است که روزی در مجلسی که به دستور مأمون عباسی تشکیل شده بود، تنی چند از پزشکان مشهور آن زمان مانند یوحنا بن ماسویه (بروکلمان، ۱۴۲۶، ۲۰۰۵ م، ۲۶۴/۳)، جبرئیل بن یحیی شوع (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱ م، ۱۳۷-۱۳۸)، صالح بن بهله هندی (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱ م، ۴۳۷-۴۳۹) و تنی چند از دانشمندان و اهل نظر، حضور داشتند و صحبت از طب و تندرستی و تدبیر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به میان آمد و هر کسی نظر خود را بیان کرد. امام رضاء علیه السلام که در آن مجلس شرف حضور داشتند، ساکت نشسته بودند. در این میان مأمون از آن حضرت درخواست نمود تا در این باره نظر خویش را بیان فرماید. امام رضاء علیه السلام در پاسخ فرمود: «من در این باره تجربیاتی دارم که درستی آن را با آزمایش، گذشت زمان و بهره‌مندی از دانش گذشتگان دریافته‌ام که عذری برای ندانستن و وانهادن این تجربیات وجود ندارد.»

آورده‌اند که مأمون در آن روز عازم بلخ بود و شتابان بدان دیار رفت و امام رضاء علیه السلام در نیشابور ماند. آن‌گاه، مأمون از بلخ نامه‌ای به امام رضاء علیه السلام نوشت و از ایشان خواست که به وعده‌اش عمل کند. امام رضاء علیه السلام پس از دریافت نامه، رساله‌ای در این باره نگاشت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۵۹؛ زینی، ۱۳۶۶، ۲)

قرآینی چون اعتراف شیخ طوسی در کتاب الفهرست (طوسی، ۱۴۲۰، ۲۲۳)، ابن شهر آشوب در معالم العلماء (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳، ۱۰۳) و مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱/۱)، شهرت روایی رساله ذهبیه و وجود نسخه‌های خطی از این کتاب باعث شده تا این کتاب به امام رضاء علیه السلام نسبت داده شود و در صحت و سقم این انتساب افرادی چون علامه عسکری (زینی، ۱۳۶۶، ۱۰۳)، محمد کاظم طباطبایی و هادی نصیری (نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۵-۱۱) و افراد دیگر به پژوهش پرداخته‌اند و بعضاً شبهاتی را نیز مطرح کرده‌اند که در این مقاله به برخی از آنها پاسخ داد می‌شود.



۱. نسخه‌های رساله ذهبیه

رساله ذهبیه با اختلافاتی که در متن آنها وجود دارد، دارای نسخه‌هایی است که بطور خلاصه عبارتند از:

الف- نسخه کتابخانه فاتح ترکیه: ترجمه فارسی رساله ذهبیه به قلم حسن بن ابراهیم سلماسی در سال ۶۱۴ قمری ثبت شده به شماره ۵۲۹۷/۴ و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه بغداد وهبی ترکیه به شماره ۱۴۸۸/۹ می‌باشد که نشان دهنده وجود نسخه عربی این کتاب، قبل از این تاریخ است. (نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۶)

ب- نسخه کتابخانه آقای حکیم عراق: کهن‌ترین نسخه عربی رساله ذهبیه به خط عبدالرحمن، معروف به ابوبکر بن عبدالله کرخی که در ذی حجه سال ۷۱۵ قمری، نگارش شده است. این نسخه در کتابخانه عمومی آقای حکیم در نجف اشرف به شماره ۲۳۷ نگهداری می‌شود. دارای سند است (حافظیان، ۱۳۶۹، ۱۶۶/۳؛ دریایی، ۱۳۸۹، ۳۸) ولی متن آن، قدری اضطراب دارد.

ج- نسخه کتابخانه اسکوریال اسپانیا: این نسخه در ضمن مجموعه‌ای، به شماره ۷۰۷ ثبت شده است. (نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۶)

د- نسخه‌ای به خط علی بن عبدالعالی کرکی، مورد استشهاد علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۶/۵۹؛ دریایی، ۱۳۸۹، ۳۸)، نسخه خطی نامعلوم (۱۱ هجری) (نجف، ۱۴۰۲، ۱۸) و نسخه‌ای دیگر به خط «مهماندوسی» (۱۱۱۶ هجری) همگی در کتابخانه عمومی الامام الحکیم در نجف اشرف موجود می‌باشند. (نجف، ۱۴۰۲، ۱۸)

۲. اختلاف در نسخه‌های رساله ذهبیه

با مطالعه به عمل آمده در بخش‌هایی از نسخه‌های موجود رساله ذهبیه به این نتیجه رسیدیم که عبارات این رساله در نسخه‌های مختلف با زیادت و نقصان فراوانی وارد شده و بعضی از شارحان این رساله در ذیل پاورقی‌های خود به آن اشاره کرده و بعضاً عبارات‌های صحیح را نیز گوشزد کرده‌اند. از جمله آقای محمدمهدی نجف. (نجف، ۱۴۰۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶-۲۰ و...).

از این سخنان برمی‌آید که متن رساله ذهبیه در طی گذشت زمان دچار تحریف و تغییر شده و این امر، دسترسی به متن صحیح را بسیار مشکل می‌کند. لذا باید گفت نمی‌توان تمام متن کنونی رساله ذهبیه را به امام رضا علیه السلام نسبت داد.



۳. شروح و ترجمه‌های رساله ذهبیه

ترجمه‌ها و شروحی که به زبان عربی و فارسی بر این رساله نگاشته شده بسیار فراوان می‌باشد که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: (برای اطلاعات بیشتر زینی، ۱۳۶۶، ۲، ۱۰۵-۱۰۶)

الف- قدیم‌ترین شرح برای این رساله، ترجمه «علوی برای طب رضوی» سیدضیاء الدین ابی الرضا فضل الله بن علی راوندی متوفی به سال ۵۴۸ هجری.

ب- ترجمه ذهبیه مولی فیض الله عصاره تستری (۱۰۷۸ قمری)، موجود در کتابخانه مشکاة دانشگاه تهران.

ج- ترجمه ذهبیه، محمدباقر مجلسی، کتابخانه صدر، کاظمین. (زینی، ۱۳۶۶، ۲/۱۰۵-۱۰۶)

د- طب الرضا (طب و بهداشت از امام رضا علیه السلام)، امیرصادقی، ۱۳۸۱.

ه- طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، محمد مهدی نجف، ۱۴۰۲؛ (فتحی اکبرآبادی، ۱۳۹۳، ۲۲۱-۲۲۲)

چندین شرح و ترجمه دیگر به صورت نسخه‌های خطی و چاپی در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که بیشتر آنها در ۱۰۰ سال اخیر با خط نستعلیق نگارش یافته است. (کتابخانه آستان قدس رضوی، بخش نسخ خطی)

۴. اسناد و طرق رساله ذهبیه

در ارزیابی اسناد رساله ذهبیه باید گفت علامه مجلسی گزارش نسبتاً جامعی از مجموعه اسناد فراهم آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۶/۵۹-۳۰۷) وی این رساله را به دو طریق (به نقل از بعضی از افاضل) نقل می‌نماید:

طریق اول: موسی بن علی بن جابر السلامی از سدید الدین یحیی بن علی بن الخازن از ابو محمد حسن بن محمد بن جمهور (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۵۹).

طریق دوم: هارون بن موسی التلعکبری از محمد بن هشام بن سهل از حسن بن محمد بن جمهور از پدرش از امام رضا علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۵۹).

ظاهراً طریقی دیگر نیز برای این رساله از طرف علامه عسکری بیان شده و آن طریق مرسلی است که نهایتاً به ابو محمد الحسن بن محمد نوفلی ختم می‌شود. (زینی، ۱۳۶۶، ۱۰۳)



ب. بررسی سندی رساله ذهبیه و پاسخگویی به شبهات مطرح شده

۱. شبهات آقایان نصیری و طباطبایی

ارزیابی اسناد

برخی از گزارش‌های موجود از رساله ذهبیه، از جمله گزارش مرحوم محقق کرکی، مرسل است. تمامی گزارش‌های مرسل و مسند هم در نهایت، به یک نفر، یعنی محمد بن جمهور عمی منتهی می‌شود. مشکل اصلی در میزان اعتبار سند نیز راوی اول آن یعنی محمد بن جمهور است. محمد بن جمهور در میان رجالیان، توثیق ندارد و متهم به غلو است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۳۷؛ طوسی، ۱۴۲۰، ۴۱۳؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴، ۹۲). نویسندگان فوق در بررسی‌های خویش سرانجام به این نتیجه می‌رسند که به دلیل تضعیف محمد بن جمهور از طرف رجالیونی چون ابن غضائری، نجاشی، شیخ طوسی و... هر چند که بقیه افراد سلسله رساله ذهبیه مشکلی نداشته باشند، اما چون اولین ناقل آن دارای تضعیف است؛ بنابراین سند رساله ذهبیه معتبر نیست (نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۷-۹). همچنین نویسندگان فوق طرق رساله ذهبیه را نیز به دلیل فاصله زمانی از مجلسی تا امام هشتم علیه السلام طریقی مرسل دانسته و نظر آیت الله خوئی را نیز که معتقد به صحیح بودن منقولات محمد بن جمهور از شیخ طوسی است، رد کرده و می‌گویند: چون شیخ طوسی از رساله ذهبیه نقلی ندارد، نمی‌توان رساله ذهبیه را جزء منقولات خالی از غلو محمد بن جمهور توسط شیخ طوسی دانست. (نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۷-۹).

۲. نظر علامه عسگری در اسناد رساله ذهبیه

علامه عسگری در این زمینه می‌نویسد: «نقل این رساله از امام رضا علیه السلام به تواتر رسیده است و ما (دکتر زینی) این رساله را به توسط حسن بن محمد بن جمهور به دست آوردیم که می‌گفت: از پدرش «محمد بن جمهور عمی» به وی رسیده ولی گاهی هم می‌گفت از جدش که در کتب رجال بنام «محمد بن جمهور» معروف بوده به وی رسیده است که او هم از تمیمی بصری نقل کرده، تمیمی بصری هم از پسر عمش، که معاصر حضرت امام رضا علیه السلام بوده نقل کرده که نسخه خطی این رساله در کتابخانه آیت الله عسگری در سامره بوده که از ابی محمد حسن بن محمد نوفلی روایت شده است. این شخص، حسن بن فضل بن یعقوب بن سعید بن نوفل بن حرث بن عبدالمطلب می‌باشد که نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ۵۱) درباره او می‌گوید: شخصی عالم، جلیل القدر و مورد اعتماد است که



از امام رضا علیه السلام نسخه رساله را روایت کرده و همچنین از ابی عبدالله و از ابوالحسن موسی. « (زینی، ۱۳۶۶، ۱۰۳) . . . «من (مرتضی عسگری) نسخه خطی این نامه را طبق روایت نوفلی (یکی از محدثین معروف) در کتابخانه (آیت الله عسگری) در سامره پیدا کردم. که دیدم...» (زینی، ۱۳۶۶، ۱۰۳).

وی در جایی دیگر می‌گوید: «رساله در علوم دین، اصول آن یا فروع آن نیست و هیچ مسئله مورد اختلافی بین مسلمین را دربر ندارد و چیز خارق عادت و طبیعت را نیز بیان نمی‌کند تا موجب شک در انتساب آن به معصوم شود.» (زینی، ۱۳۶۶، ۱۴۲)

۳-۲- نظر نگارنده:

با بررسی نظرات فوق باید گفت:

۱- از این جهت که محمد بن جمهور مورد خدشه و طعن همه رجالیان قرار گرفته و به همین دلیل آقایان نصیری و طباطبایی سند رساله ذهبیه را ضعیف می‌دانند، در نگاه اول، برداشت هر پژوهشگری نیز همین است؛ اما با کمی دقت در گفته‌های آقای نصیری و رجوع به مطالب شیخ طوسی، نتیجه کاملاً برعکس می‌شود؛ زیرا شیخ طوسی روایات منقول از محمد بن جمهور را خالی از غلو و تخلیط می‌داند و پس از این که کتابهای وی را نقل کرده از دو طریق این روایات را به وی متصل می‌سازد و گفته است که این جماعت آن چه که خالی از غلو و تخلیط است را بر ما روایت کرده‌اند و کتاب «رساله‌ی مذهبه» نیز یکی از مجموعه روایاتی است که از غلو و تخلیط خالی بوده و به اعتراف شیخ طوسی به وی رسیده است (طوسی، ۱۴۲۰، ۴۱۳). حال اینکه چرا شیخ طوسی از روایات رساله مذهبه استفاده نکرده است، ربطی به ضعف سندی رساله ذهبیه ندارد؛ زیرا شیخ با عبارت «کلهها» تمام منقولات محمد بن جمهور را خالی از غلو و تخلیط می‌داند؛ ضمناً لازم به ذکر است که جماعتی که شیخ طوسی روایات محمد بن جمهور را به نقل از آنان معرفی می‌کند، دو طریق هستند که به جز یک نفر از آنان همگی آنها ثقة می‌باشند و آن یک فرد نیز در توثیق و تضعیف مساوی است. این دو طریق عبارتند از:

الف- طریق اول: شیخ صدوق و پدرش که وثاقتشان جزء مسائل مشهور است، سعد بن عبدالله: ثقة (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۷۷)، احمد بن حسین بن سعید: توثیق و تضعیف مساوی است (خویی، ۱۴۱۳، ۷۵/۲)؛ لیکن ابن غضائری روایات او را سالم معرفی می‌کند (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ۴۰/۱ و

(۴۱).

ب- طریق دوم: شیخ صدوق و پدرش، محمد بن حسن بن ولید (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۸۳؛ طوسی، ۱۴۲۰، ۴۴۲)، حسن بن متیل (نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۹؛ طوسی، ۱۴۲۰، ۱۳۷)، محمد بن احمد العلوی (ابن داوود حلی، ۱۳۴۲، ۲۶۳) و عمرکی (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۰۳) که همگی با الفاظ توثیق به وثاقت آنان اذعان شده است.

بنابراین سند رساله ذهبیه از طریق شیخ طوسی به‌ویژه از طریق دوم تا محمد بن جمهور کاملاً صحیح است و خود می‌تواند به‌عنوان طریقی دیگر به غیر از طریقی باشد که مجلسی در بحارالانوار برای رساله ذهبیه آورده است و با این طریق مشکل ارسال در سایر طرق حل می‌گردد.

۲- به نظر می‌رسد مرسل بودن طرق سه‌گانه رساله ذهبیه در بحارالانوار ربطی به اصل رساله ذهبیه ندارد؛ به‌ویژه طریقی سومی که مجلسی از آنان رساله ذهبیه را نقل می‌کند، همان طریقی است که در نسخه مرحوم کرخی وجود دارد. یعنی:

الف- هارون بن موسی التلعکبری (م ۳۸۵) از دیدگاه رجالیون ثقه و جلیل‌القدر به حساب می‌آید (نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۳۹؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲، ۱۸۰).

ب- محمد بن همام بن سهل (م ۳۳۲) که در کتب رجالی به جای سهل، سهیل ذکر شده و شخصی کاملاً موثق می‌باشد و تلکبری در سال ۳۲۳ از وی حدیث شنیده و اجازه دارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۸۰؛ طوسی، ۱۴۲۰، ۴۰۲؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲، ۱۴۶).

ج- حسن بن محمد بن جمهور که وی نیز شخصی ثقه می‌باشد. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۶۲؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲، ۴۴).

لذا باید گفت اگر از تلکبری تا زمان مجلسی ارسالی روی داده، مربوط به خطای نسخه‌برداران این نسخه است؛ زیرا هرچند که به گفته آقایان طباطبایی و نصیری در دو طریق اول و دوم مجلسی، راویان سند بعضاً نامعلوم می‌باشند، اما در طریق سوم از تلکبری تا محمد بن جمهور کاملاً اتصال سند وجود دارد و راویان آن نیز کاملاً ثقه‌اند و اشکال وارده به محمد بن جمهور نیز با راهکار شیخ طوسی که قبلاً ذکر شد، حل می‌گردد.

امروزه در بسیاری از نسخ خطی رساله ذهبیه حتی نام ناسخ نیز وجود ندارد و ما نمی‌توانیم به دلیل این قبیل خطاها، اصل رساله ذهبیه را مرسل بدانیم؛ زیرا حداقل سخن آن است که تا زمان شیخ طوسی، این رساله مسند بوده است.



۳- علامه عسگری نیز - چنان که در بالا آوردیم - اعتراف می‌کند که سند رساله ذهبیه را به نقل از شخصی به نام «حسن بن محمد نوفلی» در کتابخانه آقای عسگری در سامراء دیده است. این شخص چنانکه آن مرحوم به نقل از نجاشی آورده، شخصی موثق و جلیل‌القدر است (فتحی اکبرآبادی، ۱۳۹۳، شماره ۴-۴-۲).

البته علامه عسگری از تمیم بصری یا پسر عمه او به‌عنوان اولین ناقل رساله ذهبیه نیز نام می‌برد که ما به سرگذشت این دو فرد دسترسی نیافتیم و به نظر می‌رسد با توجه به کتاب‌هایی که از وی نام برده احتمالاً در این امر خلطی صورت گرفته است؛ زیرا کتب نام برده شده توسط وی، همان کتب محمد بن جمهور می‌باشد.

ضمناً علامه مجلسی نیز رساله ذهبیه را از کتب مشهور در بین امامیه معرفی کرده و برخلاف کتاب «طب الائمه (علیهم‌السلام)» برادران بسطام که نویسنده آن را مجهول می‌داند، از رساله ذهبیه تمجید کرده (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰/۱) و با سه طریق آن را در جلد ۵۹ بحارالانوار خویش آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۶/۵۹ و ۳۰۷).

ج. بررسی محتوایی رساله ذهبیه و پاسخگویی به برخی از شبهات

۱. نقد محتوایی رساله ذهبیه به نقل از مقاله «پژوهشی در اعتبار رساله ذهبیه»

نویسندگان این مقاله قراین ضعف محتوایی رساله ذهبیه را به دو بخش برون‌متنی و درون‌متنی تقسیم کرده و در ذیل هر بخش به چند نمونه اشاره کرده‌اند. ما عیناً کلام آنان را ذکر کرده و در پایان هر بحث، به اثبات یا رد آن خواهیم پرداخت.

۱.۱. قراین برون‌متنی

مشابهت با متون طبی معاصر با امام رضا (علیه‌السلام)

نویسندگان فوق در این بخش با ذکر نمونه‌ای از رساله ذهبیه و نمونه‌های مشابه از متون هم‌زمان با آن مانند الرساله‌الهارونیه، نگاشته مسیح بن حکم دمشقی، التذکره‌المأمونیه فی منافع الاغذیه، نگاشته جبرئیل بن بختیشوع و رساله بختیشوع للمأمون العباسی فی تدبیرالبدن و... می‌خواهند ثابت کنند که متن رساله ذهبیه برگرفته از متون مشابه زمان خود است و نامیدن این رساله به «ذهبیه» یا «مذهبه» و اعجاب مأمون از آن دلیل موجهی ندارد (نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۱۱) که ذیلاً به چند نمونه اشاره



می‌شود:

رسالة ذهبیه: «و لیکن الماء ماء السماء، إن قدر علیه و إلا فمن الماء العذب الذى ينبوعه من ناحية المشرق ماء براقا أبيض خفيفا، و هو القابل لما يعترضه على سرعة من السخونة و البرودة، و تلك دلالة على خفة الماء.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۵/۵۹).

قال الحكيم ابقرات: «إن خير المياه ما نبع و جرى من ناحية المشرق و يكون مثل ذلك من المياه الفاضلة أبيض براقا و خفيفا طيب الريح ليس بمتغير الريح جدا و يسخن سريعا و يبرد سريعا، و يستدل بسرعة على استحالته على لطافته و خفته، و أما البطيء الاستحالة فإنه يدل على غلظه.» (طبری، ۱۸۷۹، ۳۵۱)

قال البقرات: «الماء الذى يسخن سريعا و يبرد سريعا هو اخف المياه (رهاوى، ۱۳۸۷، ۷۳) و ان ماء المطر أخف المياه و أصفها و أعذبها و أرقها.» (رهاوى، ۱۳۸۷، ۷۲؛ نصیری و طباطبایی، ۱/۱۷، ۱۶-۱۷)

در نقد نمونه‌های فوق باید گفت:

نخست: منابع ارجاعی این مقاله دارای اشتباهات فراوان بوده و متن دوم را از یک صفحه نقل کرده‌اند، در حالی که این متن در دو صفحه متفاوت موجود است و ما از این پس فقط ارجاعات صحیح را می‌آوریم و به غلط‌های مکرر ارجاعی در این مقاله اشاره نخواهیم کرد؛ حتی در پاره‌ای از موارد نام کتب نیز اشتباه درج شده است.

دوم: تشابه متنی دلیل بر عدم انتساب رساله به امام رضا علیه السلام نمی‌باشد؛ زیرا امام علیه السلام در ابتدای رساله خویش به استفاده از تجارب سلف این امر اشاره کرده و این تجارب اعم از علوم ائمه علیهم السلام و دانش پزشکان قبل از امام می‌باشد که امام رضا علیه السلام به دلیل صحیح بودن این علوم در جهت اشاعه آن کوشیده و در واقع با آوردن نظریات طبای قدیم در این رساله بر اهمیت عقل و تجربه مهر تأیید زده است.

سوم: در دو متن فوق اشاره‌ای به آب باران برای استفاده در درمان نشده اما امام رضا علیه السلام ابتدا آب باران را وسیله درمان و در صورت نبودن آن به آب مشرق اشاره کرده است که همین تفاوت رساله ذهبیه با دو متن فوق است؛ زیرا قطعاً آب باران در آن زمان که هیچ آلودگی خارجی وجود نداشته از تمام آب‌های روی زمین پاک‌تر بوده است.

رسالة ذهبیه: «فمن اراد حفظ الاسنان فلیأخذ قرن الايل محرقا و کزمازجا و سعدا و وردا و سنبل



الطیب و حب الاثل اجزاء سواء و ملحاً اندرانیا ربع جزء فیدق الجمیع ناعماً و یستن به...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۷).

قال جالینوس: «(فی حفظ الاسنان)... و یحفظ السواک و السنون، و لا یؤکل الحارّ بعقب البارد و لا البارد بعقب الحارّ. سنون یحفظ علی الاسنان صحتها، صفتها: قرن الایل محرق، و کزمازک، و ورد، و سنبل الطیب اجزاء سواء، ملح اندرانی ربع جزء و یستن به...» (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۷).
در این باره نیز باید گفت:

نخست: امام در دستورالعمل خویش در بسیاری از داروهای حفظ دندان نظر جالینوس را تأیید می‌نماید؛ لیکن داروهای دیگری مانند سعد و حب الاثل را در حفظ دندان اضافه می‌نماید و به مسواک زدن و عدم خوردنی‌های سرد و گرم بعد از هم که امری شایع بوده، اشاره نکرده است.
دوم: امام از فرد می‌خواهد تا این مواد را کاملاً درهم آمیخته و نرم بکوبد تا در مسواک زدن با آن به دندان آسیبی نرسد؛ لیکن جالینوس از این امر غفلت کرده است.

رساله‌ی ذهبیه: «و اللبن و النبیذ الذی یشربه أهله إذا اجتمعوا ولد النقرس و البرص» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲۱/۵۹).

رساله بختیشوع للمأمون: «النبيذ و اللبن اذا اجتمعوا ولّدا النقرس و البرص.» (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۷).
در این زمینه باید گفت:

نخست: جبرئیل بن بختیشوع اندکی قبل از شهادت امام رضا علیه السلام از زندان آزاد شده و در همان زمان نیز مورد توجه مأمون نبوده و محبوبیت وی در نزد مأمون چند سال پس از شهادت امام رضا علیه السلام اتفاق افتاده (ابن اصبیعه، ۲۰۰۱، ۱۷/۲) و به احتمال قوی وی این رساله را بعد از شهادت ایشان نگاشته است؛ لذا نمی‌توانیم بگوییم که عبارت رساله ذهبیه برگرفته از رساله مأمونیه است.
دوم: عبارات فوق با الفاظ دیگر از ابن ماسویه نیز نقل شده است (دریایی، ۱۳۸۹، ۱۱۳). وی نیز از جمله کسانی است که معاصر با امام رضا علیه السلام می‌باشد و بعید نیست که وی نیز سخنان خود را از امام رضا علیه السلام اخذ کرده باشد.

سوم: این که شراب عاملی برای نقرس است در کتب رازی نیز بدان اشاره شده است. (رازی، ۱۴۲۲، ۴۶۶/۳ و ۵۰۴).

بنابراین تشابه متنی نمی‌تواند دلیل بر اخذ آن متن از دیگری باشد؛ زیرا نسخه پزشکی شایع ممکن

است مورد استفاده هر شخصی قرار گیرد و این انتظار که امام نباید علوم پزشکی زمان خویش را در رساله بیاورد، کاملاً امری نادرست است و استدلال بدان کافی نیست.

عدم حضور جبرائیل بن بختیشوع در مجلس مأمون

نویسندگان فوق زندانی بودن جبرائیل بن بختیشوع در سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ در منطقه «حضره» را دلیل بر مغایرت رساله ذهبیه با شرایط تاریخی وقت گرفته و حضور جبرائیل بن بختیشوع در مجلس مأمون را که در رساله ذهبیه آمده نشانه نادرستی آن می‌دانند. (ابن‌اصیبه، ۲۰۰۱، ۱۶۷-۱۶۸ به نقل از نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۱-۱۲)

در این باره باید گفت:

نخست: ارجاع نویسندگان فوق به عیون‌الانباء با هر چایی که باشد دارای اشکال است؛ زیرا ما با بررسی چاپ‌های مختلف این کتاب ارجاع نویسندگان فوق را نادرست یافتیم.

دوم: نویسنده عیون‌الانباء در متن عربی و ترجمه فارسی آن پس از ذکر زندگی جبرائیل بن بختیشوع از سال ۱۷۵ تا آخر عمر وی یعنی ۲۱۳، می‌گوید که در سال ۲۰۲ جبرائیل به دلیل درمان خارق‌العاده حسن بن سهل با وساطت وی و به فرمان مأمون آزاد می‌گردد و این امر هیچ منافاتی با تشکیل جلسه مأمون و حضور جبرائیل در این جلسه در حوالی سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ ندارد؛ زیرا ممکن است مجلس امام رضاء علیه‌السلام و مأمون در سال ۲۰۲ تشکیل شده باشد که همزمان با آزاد شدن جبرائیل بوده که به تازگی از مهربان مأمون نیز شده است. (ابن‌اصیبه، ۲۰۰۱، ۱۷/۲)

۲. قرائن درون‌متنی

نویسندگان فوق به نمونه‌هایی به‌عنوان قرائن درون‌متنی در رد رساله ذهبیه اشاره کرده‌اند که عیناً آورده و به نقد آن می‌پردازیم:

تشکیل جلسه در نیشابور

در بیشتر گزارش‌ها از تشکیل این جلسه در نیشابور سخن گفته شده است؛ در حالی که امام رضاء علیه‌السلام هیچ‌گاه به همراه مأمون در نیشابور حضور نداشته‌اند. آنگاه که امام رضاء علیه‌السلام از مدینه به نیشابور وارد شدند، مأمون در مرو بود و آن هنگام که ایشان همراه با مأمون از مرو به خراسان باز گشت، امام رضاء علیه‌السلام قبل از رسیدن به نیشابور، در قریه سناباد به شهادت رسید (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۳).



در رد نظر فوق باید گفت:

نخست: سخن فوق دارای هیچ مرجع استنادی نیست.

دوم: در رد و اثبات هر چیز باید با دلایل قطعی و یقینی سخن گفت نه از روی حدس و گمان؛ زیرا با مطالعه‌ای که ما در کتب مختلف به عمل آوردیم برخی از کتاب‌ها سال وفات امام را ۲۰۲ (جهضمی و...، ۱۴۲۶/۱۴۳۸م، ۸۳). و اکثراً ۲۰۳ (طبری، ۱۸۷۹، ۱۴۶/۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲۹۵/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵، ۹۱/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۸، ۱۵۹/۳) ذکر کرده‌اند. برخی از این کتب سن امام رضا علیه‌السلام را ۴۹ سال (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵، ۹۱/۱؛ جهضمی و...، ۱۴۲۶، ۸۳) و برخی ۴۴ سال (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲۹۵/۱) ذکر کرده‌اند؛ لیکن اگر سال تولد امام رضا علیه‌السلام ۱۴۸ هجری باشد و شهادتشان در سال ۲۰۳ هجری اتفاق افتاده باشد، (ابن‌اثیر، ۱۳۷۸، ۱۵۹/۳) سن آن حضرت حدود ۵۵ سال می‌باشد. بنابراین مشاهده می‌شود که در اموری مانند ذکر سنوالت و ولادت و شهادت، سفر امرا به مکانهای مختلف، مکان حضور اشخاص در یک جلسه و... اختلاف در بین مورخان فراوان است. بعضی‌ها به دلایلی چون مسائل سیاسی و عقیدتی به ذکر وقایعی می‌پردازند و یا از آن چشم‌پوشی می‌نمایند و عدم ذکر نشست امام و مأمون در نیشابور، چون با قطع و یقین ثابت نشده است، نمی‌تواند صدور رساله ذهبیه از امام را خدشه‌دار سازد.

سوم: در تاریخ نیشابور نام امام رضا علیه‌السلام با شماره ۵۲۲ در زمره کسانی است که به نیشابور آمده‌اند؛ (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵، ۹۱) هم‌چنین شخصی با نام «عبدالله بن هارون بن مأمون بن الرشید الرشید امیرالمؤمنین» با شماره ۴۶۱ نیز در همین کتاب آمده (همو، ۸۸). که به احتمال زیاد به دلیل ذکر لفظ امیرالمؤمنین مراد از این شخص همان مأمون است و لفظ (بن) بین کلمه هارون و مأمون از اشتباهات کسانی است که این کتاب را تلخیص کرده‌اند و در این صورت احتمال حضور امام همراه با مأمون در نیشابور تقویت می‌گردد.

چهارم: با توجه به روابط حسنه‌ای که بین امام رضا علیه‌السلام و مأمون ولو به شکل ظاهری برقرار بوده و مورخان نیز بدان اعتراف دارند، احتمال تشکیل چنین جلسه‌ای بسیار زیاد است (طبری، ۱۸۷۹، ۱۴۰/۵ و ۱۴۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲۹۵/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۸، ۱۵۹/۳). حتی ابن‌اثیر احتمال مسموم کردن امام توسط مأمون را بسیار بعید می‌داند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۸، ۱۵۹/۳).

حجامت و دوره آن

در این رساله آمده است که فاصله حجامت باید به مقدار گذشت سالیان عمر شخص باشد. فرد



بیست ساله، هر بیست روز حجامت کند و فرد سی ساله و چهل ساله، پس از گذشت سی یا چهل روز. این دستور، با تجویز پزشکان در فاصله بین دو حجامت، عدم حجامت پس از شصت سال، عدم حجامت کودک کمتر از دو سال و بیش از شش سال و . . . منافات دارد. (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۴).

در باره مطالب فوق نیز باید گفت:

نخست نویسندگان فوق برای گفتار خویش هیچ مأخذ علمی ارائه نکرده‌اند و خوانندگان محترم می‌توانند با رجوع به اصل مقاله صحت گفتار ما را مشاهده کنند.

دوم: به جز رساله ذهبیه، برخی از روایات دیگر نیز وجود دارد که به حجامت زیر دو سال و کودکان چند ماهه اشاره کرده‌اند که به ظاهر چنین کاری مخالف علم پزشکی است (فتحی اکبرآبادی، ۱۳۹۳، ۱۸۳) اما بطور قطع و یقین علم آن را رد نکرده و شاید در آینده بر خلاف نظرات امروز، دانشمندان پزشکی آن را بپذیرند؛ زیرا امور تجربی نیازمند زمان می‌باشند.

سوم: شاید این بخش از رساله ذهبیه نیز جزء سخنان امام رضا علیه السلام نباشد و به مرور زمان بدان راه یافته باشد.

عدم خوردن صبحانه و شام

در رساله ذهبیه، توصیه غذایی به مأمون این‌گونه است: یک روز، تنها یک وعده غذا پس از هشت ساعت از برآمدن آفتاب و روز دیگر، دو وعده غذا صبحانه و شام، یعنی سه وعده غذا در دو روز (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۱/۵۹).

این دستور غذایی، با روایات فراوانی که توصیه اکید به خوردن شام (عشا) دارند، در تعارض است. روایات ما تأکید بر عدم ترک شام دارند؛ (محمدی ری شهری، ۲/۴۷۷-۴۸۳) در حالی که پزشکان کهن، بر ترک خوردن شام اصرار داشته‌اند. (کلینی، ۱۳۸۸، ۶/۲۸۹، ح ض ۱۰)

جالب آنکه دستور غذایی سه وعده در دو روز، دستوری پزشکی است که توسط پزشکان سنتی بر آن تأکید شده است. (ابن سینا، ۱۳۸۹، ۱/۲۳۰)

در قسمتی از رساله ذهبیه آمده است: «کذا أمر جدی محمد علیاً فی کلّ یوم وجبة و فی غدة وجبتین» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۱/۵۹) این سخن نیز شاذ است و مؤیدی در متون روایی ندارد. روایات توصیه‌کننده به صبحانه و شام نیز با آن تعارض دارند. (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۵)

در نقد نظرات فوق باید گفت:



نخست: این بخش از عبارات رساله ذهبیه که در قسمت بالا بدان استشهاد شده است در تمامی نسخه‌های خطی این رساله یکسان نمی‌باشد. زیرا آقای محمد مهدی نجف در پاورقی‌های همین عبارات اشاره کرده که بعد از عبارت «یمنی من النهار ثمان ساعات» در نسخه کرخی عبارت «اکلة واحدة» اضافه بر سایر نسخ می‌باشد و در نسخه اصلی یعنی همان نسخه مرحوم کرخی عبارت «أو ثلاث أكلات فی یومین» به صورت «فی یوم» آمده است. ایشان عبارت «فی یوم» را صحیح‌تر از عبارت «یومین» می‌داند (علی بن موسی الرضا^(ع): ۱۴۰۲، ۱۶) به نظر می‌رسد سخن شارح طب الرضا^(ع) با کنار هم قرار دادن کل عبارات صحیح باشد؛ زیرا اگر هشت ساعت از روز گذشته به عنوان اولین وعده غذایی محاسبه کنیم به طور طبیعی هر روز شامل سه وعده غذایی می‌شود و کاملاً با عرف زمانه سازگاری دارد و دیگر نیازی به توجیهاات سه وعده غذایی در دو روز نیست.

دوم: نویسندگان این مقاله که به شدت در بخش سندی، رساله ذهبیه را ضعیف می‌شمارند، برای رد برخی از بخش‌های این رساله به‌ویژه در قسمت فوق، خود به احادیث ضعیف‌السندی متوسل شده‌اند که در بحث ترک عشاء در کتاب دانشنامه پزشکی بدان استشهاد شده است؛ زیرا با مطالعه‌ای که در بخش «اکل» کتاب فوق به عمل آمد و با جستجوی برخی از احادیث آن در منابع اصلی به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از احادیث ترک العشاء بی‌سند و یا ضعیف‌السندی می‌باشند که برای نمونه به سه حدیث اشاره می‌کنیم:

حدیث اول: «عنه عن القاسم بن یحیی عن جده الحسن بن راشد عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله^(ع) قال قال أمير المؤمنين^(ع): عشاء الأنبياء بعد العتمة فلا تدعوا العشاء فإن ترك العشاء خراب البدن؛ شام خوردن پیامبران، پس از تاریکی شب بوده است. آن را وامگذارید؛ چرا که واگذاردن آن، ویرانی تن است.» (برقی، ۱۳۷۱، ۲/۴۲۰؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ۲/۱۶۲-۱۶۳).

قاسم بن یحیی (ابن غضائری، ۸۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۱۶؛ ابن داوود حلی، ۱۳۴۲، ۲۴۸) و حسن بن راشد (طوسی، ۱۴۲۰، ۱۳۷) - نوه و پدر بزرگ - هر دو در کتب رجالی یا ضعیف و یا مجهول الحال می‌باشند که در سلسله سند حدیث فوق قرار دارند.

حدیث دوم: «عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن حماد بن عثمان، عن الوليد بن صبيح، قال: سمعت أبا عبد الله^(ع) يقول: «لا خير لمن دخل في السن أن يبیت خفيفاً، بل يبیت ممتلئاً خیر له» (کلینی، ۱۳۸۸، ۳۵۱/۱۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ۱۶۲-۱۶۳) - امام صادق^(ع): «برای کسی که پا به سن نهاده، خوب نیست با شکم سبک بخوابد؛ بلکه اگر با



شکم پر بخوابد، برایش بهتر است.»

سهل بن زیاد که جزء ناقلان حدیث است، از نظر ابن غضائری جداً ضعیف و در دین و روایت فاسد (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ۶۷/۱) و نجاشی (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۲۰، ۲۲۸) وی را ضعیف شمرده و گفته است که به حدیث وی اعتمادی نیست و شیخ طوسی نیز وی را ضعیف می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۸۵). علامه مجلسی نیز این حدیث را بنا بر مشهور ضعیف می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۰۱/۲۲). ضمناً باید گفت از لحاظ علمی و آنچه که در بین مردم مشهور است، خوابیدن با شکم پر برای هر شخصی مضر است و این ضرر برای پیران قطعاً بیشتر است.

حدیث سوم: «عن الصادق علیه السلام قال: «لا تدع العشاء ولو بثلاث لقم بملح؛ خوردن شام را وامگذار، هر چند به سه لقمه (نان) با نمک باشد.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۴۵/۶۳؛ نوری، ۱۴۰۸، ۲۶۶/۱۶؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ۱۶۲/۲-۱۶۳).

این حدیث نیز به دلیل بی‌سند بودن کاملاً ضعیف است. در منابع نخستین نیز هیچ سندی برای آن یافت نشد.

سوم: شاید دستور امام رضا علیه السلام به مأمون یک دستور شخصی بوده و با توجه به شرایط جسمی وی صادر شده باشد؛ زیرا از این قبیل دستورات طبی برای اشخاص از طرف ائمه علیهم السلام در منابع حدیثی فراوان یافت می‌شود که جنبه عمومی ندارد.

چهارم: ما زمانی می‌توانیم تجارب طب سنتی را با روایات رد کنیم که مستندات ما احادیث صحیح‌السند باشد؛ زیرا حداقل سخن این است که دستورات تجربی اطباء با آزمایش بر افراد مختلف به مرور زمان به دست آمده و امام نیز در اول رساله بدان اشاره کرده است. امروزه نیز خوابیدن با شکم سبک امری پسندیده برای مردم به حساب می‌آید.

۳. ادبیات رساله ذهبیه

ادبیات به کار رفته در رساله ذهبیه، تفاوتی آشکار با روایات طبی شیعه دارد؛ همچنان که مشابهت تام با نگاه‌های طب یونانی و هندی دارد؛ اگر چه در برخی از موارد با آن نیز مخالفت دارد (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۵).

در این زمینه نیز باید گفت:

نخست: نویسندگان این مقاله، هیچ نمونه‌ای برای سخنان خویش به‌عنوان مستندات علمی مطرح



نکرده‌اند.

دوم: متن رساله ذهبیه، مجموعه‌ای از دستورات عمل‌های پزشکی است و قطعاً باید ادبیات آن نیز مطابق با این رشته باشد و ما هیچ تفاوتی بین ادبیات این رساله و سایر احادیث پزشکی مشاهده نکردیم؛ زیرا در بسیاری از احادیث دیگر نیز دستورات مشابه وجود دارد که دارای چنین ادبیاتی است که در رساله ذهبیه وجود دارد. دستوراتی چون حجامت، حمام کردن، نوره کشیدن، ساختن داروهای مختلف در درمان و خواص فصول در سایر احادیث نیز یافت می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۵۹-۳۳۰). ضمناً چنان‌که امام خود نیز اشاره فرموده از دستاوردهای پزشکی قدیم در این رساله آورده که این تطبیق ادبیاتی امری عجیب به نظر نمی‌رسد.

سوم: امام رضا علیه السلام در این رساله خود را به‌عنوان طبیبی انگاشته که می‌خواهد برای درمان مأمون و افراد دیگر دستورات عمل‌های پزشکی صادر کند؛ لذا باید این دستورات دارای ادبیاتی باشد که سایر اطباء از آن استفاده می‌کنند.

واژگان به‌کار رفته در رساله ذهبیه

این واژگان نیز با واژگان روایات طبی، متفاوت و با واژگان مصادر پزشکی، مشابه است؛ واژه‌هایی هم‌چون: قرن‌الایل، کزمازج، حب‌الاثل، ملح اندرانی، افاقیا، سکباج، مرزنجوش، شیرخشت، آبنزن، تمریخ، ثجیرالعصفر و

بسیاری از این واژه‌ها فارسی و برخی نیز ویژه پزشکان یونان و غیر یونان بوده و در روایات طبی نیز به آنها اشاره نشده است (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۶).
در این باره باید گفت:

با بررسی گسترده که در کتب روایی، طبی و لغت به عمل آمد، تمام واژه‌های فوق کاملاً معرب بوده و بیشتر آنها در کتب روایی به کار رفته و برخی از آنها که در کتب روایی وجود ندارد در لغت‌نامه‌های عربی و یا کتب پزشکی به زبان عربی وجود دارد؛ لذا نظر نویسندگان فوق در فارسی بودن این واژه‌ها، یونانی بودن برخی از آنها و غیر عربی بودن آن کاملاً رد می‌گردد. واژه‌های مورد استشهاد در نظر فوق همگی در علوم پزشکی قدیم به کار رفته و سایر معصومان نیز در بسیاری از موارد از این واژه‌ها استفاده کرده‌اند. در ذیل به تعدادی از این واژه‌ها اشاره می‌کنیم: (برای مطالعه بیشتر فتحی اکبرآبادی، ۱۳۹۳، ۲۵۰-۲۶۶)



قرن الاایل: شاخ گوزن، در پاورقی شرح کافی آمده است: الایل به معنای گوزن یا تیزی قلّه کوه و در فارسی بدان بز کوهی یا گوزن گویند. (کلینی، ۱۳۸۸، ۲۱۰/۶). و در روایت است: «... و قال فی ایل یصطاده رجل فتقطعه الناس...» (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۴/۹) - «... و درباره گوزن فرمود: «مردی آن را صید کرد و مردم آن را قطعه قطعه کردند...» و «... و اذا صاح الأیل یقول حسبی الله و نعم الوکیل...» (راوندی، ۱۴۰۹، ۲۵۲/۱) - «... و چون گوزن فریاد کشید گفت خدا مرا بس است و او بهترین وکیل است...»

سکباج: آش سرکه (جرّ، ۱۳۷۹، ۱۱۹۸/۲)، در روایت آمده: «دخلت علی ابی عبدالله ع و هو یأکل سکباج بلحم البقر...؛ بر ابی عبدالله صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که (آن حضرت) آش سرکه را با گوشت گاو تناول می نمود...» (برقی، ۱۳۷۱، ۴۰۳/۲). ضمناً در روایتی لقب «حسن بن علی بن فضل» سکباج ذکر شده (کلینی، ۱۳۸۸، ۴۷۱/۶) که احتمالاً به دلیل خوردن زیاد آش سرکه بدان مشهور شده است.

مرزنجوش: مرزنجوش معرب «مرزنگوش» فارسی است (مظفرزاده، ۱۳۸۳، ۹۱۹؛ بستانی، ۱۳۷۵، ۸۰۶). این واژه چنان دارای کاربرد گسترده‌ای در زبان عربی است که حتی فارسی زبانان نیز آن را در کتب پزشکی فارسی به شکل معرب آن به کار برده‌اند و از قدیم تاکنون این واژه در صدها اثر علمی دیده می‌شود (کحال، ۱۳۸۷، ۳۴۸ و ۳۹۴؛ ابن‌سینا، ۱۳۸۹، ۱۶/۲، ۱۴۳، ۲۴۴، ۲۹۰ و...؛ ابن‌رزین تجیبی، ۱۳۸۸، ۲۷۷ و ۲۷۸؛ بلدی، ۱۹۸۰، ۲۵۳؛ ابن‌جزار قیروانی، ۱۳۸۸، ۱۸۱، ۱۲۵ و ۱۳۹؛ تمیمی، ۱۴۲۰، ۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷ و...؛ رازی، ۱۴۱۲، ۳۸/۱، ۵۱، ۵۵، رازی، ۱۴۲۲، ۱۴۶؛ ابوعلی، ۱۳۸۸، ۴۴؛ دمشقی، ۱۳۸۸، ۱۴۹/۱؛ ابن‌زهر، ۱۴۰۳، ۴۵۰/۲، ۴۷۶، ۵۲۹ و ۵۳۴؛ عطار اسرائیلی، ۱۳۸۳، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱ و...). طبرسی یکی از باب‌های مکارم‌الاخلاق را به مرزنجوش اختصاص داده و در ذیل آن به چندین روایت اشاره نموده است. ذیلاً به دو روایت که واژه مرزنجوش در آنها آمده است اشاره می‌شود:

- «إن العترة هونبت مثل المرزنجوش ینبت متفرقا و برکاتهم منبثة فی المشرق و المغرب؛ اهل بیت عترت مانند گیاهی هستند که چون مرزنجوش به صوت متفرق می‌رویند در حالی که برکات آنها در مشرق و مغرب گسترده شده است» (صدوق، ۱۳۷۲، ۹۳).



- «قال رسول الله ﷺ عليكم بالمرزنجوش فشموه فإنه جيد للخشام؛ بر شما باد بر مرزنجوش (یعنی آن را به کار برید) پس آن را ببوئید؛ زیرا برای بینی سودمند است.» (طبرسی، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش، ۴۵).

تفاوت عبارات رساله ذهبیه با مبادی علم امام علیه السلام

در مقدمه رساله ذهبیه، آگاهی نویسنده از این امور، بنا بر تجربه شخصی و اختبار (آزمایش) دانسته شده است: «عندی من ذلك ما جربته و عرفت صحته بالاختبار و مرور الايام، مع ما وقفني عليه من مضى من السلف مما لا يسع الانسان جهله و لا يعذر في تركه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۷/۵۹). روشن است که این عبارت، با مبادی علم امام و دانش افزایی غیبی او تفاوت آشکار دارد. (نصیری و طباطبایی، ۱۷/۱، ۱۶) در رد نظرات فوق باید گفت:

جملات امام در عبارات فوق هیچ خدشه‌ای به مبادی علم امام وارد نمی‌کند؛ زیرا: نخست: تجربه امری است که به مرور زمان و در طی زندگی برای انسان حاصل می‌شود و هیچ اشکالی ندارد که کسب دانش امام از پدران بزرگوارش به‌عنوان تجربه زندگی مطرح گردد. دوم: امام در این رساله از علوم پزشکی زمانه نیز بهره برده است و با علم لدنی خود بخش صحیح آن را انتخاب و بخش ناصواب آن را ترک نموده و در کلام خویش از آن به‌عنوان آزمایش و تجربه یاد نموده؛ زیرا به مرور زمان و در طی ایام بر امام مکشوف شده است.

سوم: شاید کلمات فوق از روی عزت نفس و کرامتی است که در وجود امام وجود دارد و هر چند که به این امور علم لدنی داشته است؛ اما برای فهم افکار عمومی جامعه و جلوگیری از هر نوع شبهه‌انگیزی از مقام خویش تنزل کرده و خود را به‌سان پزشکانی دانسته که به آزمایش و اختبار دست می‌زنند. چنان‌که در قرآن کریم نیز درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ؛ خدا از تو درگذرد! چرا به آنان اجازه دادی» (توبه: ۴۳)

امام رضا علیه السلام در پاسخ به مأمون که از مفهوم آیه سؤال کردند فرمودند: این آیه از قبیل «به در می‌گویم، دیوار گوش کند» می‌باشد، خداوند به ظاهر با پیامبرش صحبت کرده ولی منظور اصلی، امت بوده است (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ۱/۴۱۲-۴۱۳). در ادامه امام به چند آیه دیگر نیز استشهاد فرموده است.

استفاده امام از تجارب پزشکی قدما در این رساله، علم امام را ثابت می‌کند و بر خلاف این تصور نشان دهنده علم لدنی امام نیز می‌باشد؛ زیرا تشخیص صحت و سقم تجارب قدما برای شخصی که به آموزش روزمره پزشکی پرداخته است، جز با دریافت لدنی به دست نمی‌آید.

نتیجه‌گیری

در پایان این بحث بطور اجمال باید گفت: برخی از طرق رساله ذهبیه، مرسل و برخی مسند است. به جز طریق محمد بن جمهور، طریق حسن بن محمد نوفلی نیز برای رساله ذهبیه وجود دارد. هرچند که در طرق کنونی نسخه‌های ذهبیه ارسال وجود دارد، نهایت سخن در سند رساله ذهبیه این است که این رساله از لحاظ سندی ضعیف نیست؛ زیرا ارسال سند، مربوط به خطای نسخه‌برداران این رساله از قرن پنجم به بعد می‌باشد. لیکن به دلیل اختلافاتی که از لحاظ متنی در نسخه‌های مختلف دیده می‌شود، به نظر می‌رسد در طی اعصار مختلف، بر آن مطالبی افزوده شده که شایسته است با بررسی دقیق محتوایی، کلام امام را از سخنان دیگران جدا ساخت. در بخش محتوایی نیز در صورتی که بتوان تحریفات رساله ذهبیه را تشخیص داد، می‌توان به این رساله عمل نمود و از مباحث پزشکی آن بهره‌برداری کرد.



فهرست منابع

۱. ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دار الکتب العربی، بیروت: ۱۳۷۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه عیون أخبار الرضا عليه السلام، ترجمه غفاری و مستفید، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۴. ابن جزار قیروانی، احمد بن ابراهیم، کتاب فی المعده و أمراضها و مداواتها، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۵. ابن داوود حلی، حسن بن علی، رجال، تهران: دانشگاه تهران: چاپ اول، ۱۳۴۲ش.
۶. ابن رزین تجیبی، علی بن محمد، فضالة الخوان فی طیبات الطعام و الألوان، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۷. ابن زهر، عبدالملک، التیسیر فی المداواة و التدبیر، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۸. ابن سینا، حسین بن عبدالله، قانون (ترجمه شرفکندی)، مترجم: عبدالرحمن، شرفکندی، تهران: سروش، چاپ دهم، ۱۳۸۹ش.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، تهران: مطبعة الفردین، ۱۳۵۳ق.
۱۰. ابن غضائری، احمد بن حسین واسطی بغدادی، رجال، محقق و مصحح: محمد رضا حسینی، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۱۱. ابوعلی، خواص الأشياء، مترجم: محمد بن زکریا رازی، قم: مجمع ذخائر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۳. بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه: سید یعقوب بکر، بیروت: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
۱۴. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۱۵. بلدی، احمد بن محمد، تدبیر الحبالی و الأطفال و الصبیان و حفظ صحتهم، بغداد، دار



- الرشید للنشر، چاپ اول، ۱۹۸۰م.
۱۶. تمیمی، محمد بن احمد، مادة البقاء فی إصلاح فساد الهواء والتحرز من ضرر الأوباء، قاهره: معهد المخطوطات العربية، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۷. جر، خلیل، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، مترجم: سید حمید طبیبیان، تهران: سپهر، چاپ دهم، ۱۳۷۹ش.
۱۸. جهضمی، نصر، تاریخ اهل البيت، تحقیق: سید محمد رضا حسینی، قم: مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴م.
۱۹. حافظیان، ابوالفضل، فهرست عکسی کتابخانه آقای مرعشی، قم: کتابخانه آقای مرعشی نجفی، ۱۳۶۹ش.
۲۰. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه، تاریخ نیشابور، تهران: نشر آکه، ۱۳۷۵ش.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی نا، ۱۴۱۳ق.
۲۲. دریایی، محمد، نامه زرین سلامت (ترجمه رساله ذهبیه امام هشتم)، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۳. دمشقی، مسیح بن حکم، الرسالة الهارونیه، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۸ش.
۲۴. رازی، محمد بن زکریا، تقاسیم العلل (کتاب التقسیم والتشجیر)، حلب: منشورات جامعه حلب معهد التراث العلمي العربي، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۵. الحاوی فی الطب، بیروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۶. رهاوی، اسحق بن علی، أدب الطیب، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۲۷. زینی، عبد الصاحب، طب و درمان در اسلام، ترجمه طب الرضا و طب الصادق علیهما السلام، محقق: مرتضی عسکری، مترجم: کاظمی خلخالی، تهران: فؤاد، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش.
۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، مترجم: عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش.



۳۰. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، لیدن، بریل، ۱۸۷۹م.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۳۳. عطار اسرائیلی، داود بن ابی نصر، منهاج الدکان و دستور الأعیان فی أعمال و تراکیب الأدوية النافعة للأبدان، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۳۴. علی بن موسی الرضا علیه السلام، طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، محقق: محمد مهدی نجف، قم: دارالخیام، ۱۴۰۲ق.
۳۵. فتحی اکبرآبادی، رساله دکتری بررسی و تحلیل احادیث طبی با تأکید بر رساله ذهبیه، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران: شهریور ۱۳۹۳ش.
۳۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، محقق و مصحح: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۳۸. کحال، علی بن عیسی، تذکرة الکحالیین، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارا الکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۱. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ ششم، ۱۳۸۵ش.
۴۲. مظفر زاده، باقر، ترجمه الصیدنة فی الطب (داروشناسی در پزشکی)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۴۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المشرفه، قم: ۱۳۶۵ش.
۴۴. نصیری، هادی و محمد کاظم طباطبائی، پژوهشی در اعتبار رساله ذهبیه، مجله علوم حدیث، سال هفدهم، شماره اول.



۴۵. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۶. یعقوبی، أحمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارت علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش.